

بانک تریدستان

وام‌های كوچك، ابزار مبارزه با فقر جهانی

محمد یونس

مترجمان: علی بابایی | سهیل پورصادق حقیقت | علیرضا خیری | زهرا عنایتی

با مقدمه دکتر غلامعلی فرجادی



والمهای کوچک ابزار مبارزه با فقر جهانی / محمد یونس؛ مترجمان علی بابایی -- [و دیگران]؛ با مقدمه
 غلامعلی فرجادی / مشخصات نشر: تهران انتشارات دیپای انتشار ۱۳۹۲ / مشخصات ظاهری ۲۲۲ ص.
 فروست / توسعه / سالک ۱-۱۸-۶۷۱۰۶-۶۷۸-۶۰۰ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیا / یادداشت عنوان اصلی:
 Banker to the poor: micro-lending and the battle against world poverty. c2007 / یادداشت مترجمان
 علی بابایی، سهیل بورصادق حقیقت: علیرضا حمیری (زهرآ غایبی) / موضوع: یونس، محمد / موضوع: بانک
 گرامین -- تاریخ / موضوع: بانک و بانکداری -- بنگلادش / موضوع: بانکداران -- بنگلادش -- سرگذشتنامه
 موضوع: اصلاح‌طلبان اجتماعی -- بنگلادش -- سرگذشتنامه / موضوع: امور مالی خرد -- بنگلادش -- تاریخ
 موضوع: فقیران روستایی -- بنگلادش -- تاریخ / سلسه: افروده: بابایی، علی، ۱۳۶۲ -- مترجم: اردبیدی، کنگره
 ۳۹۳ ی ۱۳ / ۶ / HG3290 / رده‌بندی دیویی: ۳۳۲ / ۱۰۹۵۴ / شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۹۰۴۰۱

www.ketab.ir

معرفی کتاب و نویسنده	۹
پیش‌گفتار: از خداداد احطی تا ونداد امید	۱۳
مقدمه: چرخه‌های یک ایده	۱۷
فصل اول: کودکی و بوجوانی من در چیتاگونگ	۲۱
فصل دوم: یک بنگلادشی در آمریکا	۳۱
فصل سوم: بازگشت به چیتاگونگ	۵۱
فصل چهارم: جان‌فروزی برای بانک وام مردم	۶۱
فصل پنجم: تولد یک پروژه آزمایش	۷۳
فصل ششم: پیشروی به سمت تلنگیل	۹۷
فصل هفتم: تولد یک بانک ویژه فقرا	۱۲۷
فصل هشتم: چالش‌های پیش روی گرامین (۱۹۸۴-۱۹۹۰)	۱۴۳
فصل نهم: گرامین در دیگر مناطق فقیرنشین	۱۵۹
فصل دهم: گرامین در ایالات متحده و دیگر کشورهای توسعه‌یافته	۱۷۵
فصل یازدهم: گرامین در دهه ۱۹۹۰	۱۹۳
فصل دوازدهم: مؤسسات اقتصادی گرامین	۲۱۱
فصل سیزدهم: بلوغ گرامین در «گرامین بانک ۸۲»	۲۲۵

معرفی کتاب و نویسنده

درباره نویسنده: محمد یونس

من معتقدم که ساختن جهانی بدون فقر، قطعاً مکان پذیر نخواهد بود. زیر فقر توسط خود فقیران ایجاد نمی شود. بلکه فقر عمدتاً معلول سیاست های نادرستی است که بری دره جومع به کار گرفته می شود... به این ترتیب تصور می کنم می توان به روزی رسید که فقر فقط در «موزه های ویژه فقر» بتزیین بپییم... من به عنوان یک اقتصاددان اعتقاد دارم که مؤثرترین سیاست های فقرزدایی، رویکردهایی هستند که در چارچوب «اقتصاد بازار» قرار می گیرند. درست مانند رویکردهایی که ما در ۲۰ سال اخیر در «گرامین بانک» پیگیری کرده ایم.

محمد یونس، سخنرانی مراسم دریافت جایزه نوبل

(اسلو، ۱ دسامبر ۲۰۰۶)

محمد یونس، اقتصاددان و متفکر برجسته بنگلادشی، یکی از برجسته ترین پیشروان مبارزه با فقر در سطح بین المللی محسوب می شود. کوشش های مؤثر این اقتصاددان مسلمان بنگلادشی در مبارزه با فقر، باعث شد که در سال ۲۰۰۷ جایزه صلح نوبل به وی اعطا گردد.

محمد یونس با تأسیس یک بنیاد خیریه غیردولتی به نام «گرامین بانک» (Gramin Bank) توانسته است جهش بزرگی در فقرزدایی در بنگلادش ایجاد

کند («گرامین» در زبان بنگلادشی به معنای کشاورز است). فعالیت گرامین بانک، بر خلاف باور رایج در سیستم‌های بانکداری موجود، بر مبنای اعطای وام و نیز دیگر خدمات بانکی به فقیران قرار دارد.

به این ترتیب گرامین بانک که اولین بانک تخصصی ویژه فقیران محسوب می‌شود، تا به امروز توانسته است بیش از پنج میلیون فقیر بنگلادشی را تحت پوشش بگیرد که بالغ بر ۹۰ درصد از آنان را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند. مکانیزم حمایتی مورد استفاده «گرامین بانک»، بر پایه پرداخت وام‌های خرد (Micro Credit) برای راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و خودکفایی مالی تدریجی قرار داشته است. موفقیت چشمگیر گرامین بانک در بنگلادش، موجب شده است که این بنیاد خیریه، هم‌اکنون شعبه‌هایی در بیش از ۵۰ کشور دنیا بر پا کند. همچنین در حال حاضر صدها موسسه خیریه در سرتاسر جهان، برای مدیریت آن بخش از فعالیت‌های خیریه خود که به پرداخت وام‌های خوداشتغالی مربوط می‌شود، از الگوی گرامین بانک استفاده می‌کنند.

نکته جالب توجه آن است که روش‌های ویژه مورد استفاده «گرامین بانک» برای توانمندسازی و نیز ترغیب فقیران به بازپرداخت اقساط وام‌ها، باعث شده است که نرخ بازپرداخت وام‌های مذکور نزدیک به ۹۶ درصد باشد و به این ترتیب در حال حاضر گرامین بانک تنها بانک ویژه فقیران در سطح جهان محسوب می‌شود که فعالیت‌های آن با وجود ماهیت خیریه، تا حد مناسبی سودده هستند.

ایده‌ها و تفکرات خلاقانه «محمد یونس»، وی را به یکی از متفکرین بزرگ جهان در حوزه اقتصاد و مدیریت، تبدیل کرده است به نحوی که از نظر موسسه Thinkers 50، موسسه‌ای که به رتبه‌بندی متفکرین جهان در این حوزه می‌پردازد، وی هم‌اکنون ششمین متفکر خلاق دنیا در حوزه اقتصاد و مدیریت محسوب می‌شود.^۱

۱- برای آگاهی از این رتبه‌بندی می‌توانید به سایت زیر مراجعه کنید:

درباره کتاب: داستان اولین بانک ویژه فقرا

محمد یونس در سال ۲۰۰۳، کتابی با عنوان «داستان اولین بانک ویژه فقرا» منتشر کرد. بخش عمده این کتاب به بیان خاطرات وی درباره چگونگی متحول شدن زندگی اش برای کمک به فقیران، چگونگی پایه گذاری و رشد گرامین بانک و نیز مکانیزم های مورد استفاده در «گرامین بانک» می پردازد. این کتاب به سرعت در رده پرفروش ترین کتاب های اقتصاد و مدیریت جای گرفت. به نحوی که بررسی رتبه بندی سایت «آمازون» (بزرگ ترین سایت و فروشگاه کتاب در جهان)، پنجمین کتاب پرفروش دنیا در حوزه «توسعه اقتصادی» محسوب می شود.

مطلب اصلی این کتاب عبارتند از:

- ۱- بررسی چالش های «یونس» و همکارانش در تأسیس «گرامین بانک»؛
- ۲- مکانیسم هایی که باعث موفقیت micro-credit (هسته اصلی بانکداری در گرامین) شده است؛

۳- رهنمایی ها و تجربیات روزمندی که یونس، به هر کس که خواهان پیوستن به وی، در حذف فقر و فرستادن آن به موزه هست. رنه می دهد. به این ترتیب مضامین کتاب مذکور می توانند نکات کاربردی زیادی برای افزایش بهره وری فعالیت های خیریه به دست دهد. همچنین خوانندگانی که علاقه مند به کسب اطلاعات بیشتر در مورد محمد یونس و نیز «گرامین بانک» هستند، می توانند به دو وبسایت زیر مراجعه کنند:

- سایت اختصاصی «محمدیونس» به آدرس:

<http://www.muhammadyunus.org>

- سایت بنیاد خیریه «گرامین بانک» به آدرس:

<http://www.grameen-info.org>

۱- عنوان انگلیسی کتاب این است: Banker to the Poor

۲- برای آگاهی بیشتر در مورد میزان استقبال از فروش این کتاب و جزئیات تبدیل شدن آن به پنجمین کتاب پرفروش دنیا در زمینه «توسعه اقتصادی»، می توانید به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید:

http://www.amazon.com/gp/best sellers/books/2585/ref=pd_zg_hrsr_b_2_4_last

پیش‌گفتار

از «نهاد قحطی» تا «نهاد امید»

امروزه، «وام خُرد» (Micro-Credit) یکی از عبارات‌های پرکاربرد است که در بحث «توانمندسازی فقرا» (empowerment) به آن اشاره می‌شود. در میان پروژه‌های مختلفی که در حوزه «وام‌های خُرد» در نقاط مختلف دنیا اجرا شده‌اند، بسیاری معتقدند که پروژه محمد یونس با عنوان «گرامین بانک» (Grameen Bank) موفق‌ترین پروژه بوده است؛ ما کدام ویژگی‌های پروژه «گرامین بانک» باعث شده که این پروژه موفق‌ترین پروژه دنیا در حوزه «وام خُرد» قلمداد شود؟

باید توجه کنیم که یکی از محدودیت‌های عمده‌ای که فقیران با آن روبه‌رو هستند، فقدان دسترسی به اعتبارات بانکی و منابع سرمایه‌ای با قیمت مناسب است که بخشی از این مسئله ناشی از نداشتن «وثیقه قابل قبول» برای ارائه به بانک‌ها است. پروژه «گرامین بانک» بر حل این مشکل متمرکز شده و در بنگلادش به عنوان یکی از کشورهای نسبتاً فقیر در حال توسعه‌ای که با چالش شدید فقر به ویژه در مناطق روستایی خود مواجه است، با به‌کارگیری یک مکانیزم مناسب برای ارائه «وام‌های خُرد» توانسته است کمک قابل توجهی به رفع نیازهای اولیه خانوارهای فقیر روستایی بکند.

دسترسی خانوارهای فقیر به اعتبارات خُرد می‌تواند کلیدی برای بهبود

وضع زندگی آنها باشد: مثلاً برای دهقانان فقیر روستایی وام‌های کوچک می‌تواند وسیله‌ای برای خرید احشام جدید، بذر، کود، سم و... باشد که تا حد زیادی بهره‌وری آنان در کشاورزی و دامداری را افزایش می‌دهد. همچنین برای کارگران روستایی بی‌بهره از زمین کشاورزی، دسترسی به اعتبارات خُرد می‌تواند فرصتی برای یادگیری مهارت‌های شغلی متنوع ایجاد کرده و به تدریج آنان را به کارگران ماهر تبدیل کند.

نهادهای تخصصی تأمین مالی خُرد که فقیران را هدف‌گذاری می‌کنند، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۹۸۰ به سرعت گسترش یافته‌اند؛ اما در بین نهادهای مختلف، هیچ‌کدام به اندازه گرامین بانک در بنگلادش موفق نبوده‌اند. موفقیت چشمگیر گرامین بانک توانسته است جایزه نوبل صلح را برای این موسسه و نیز اقتصاددان مسلمان بنیان‌گذار آن (محمد یونس) به همراه آورد. در حال حاضر گرامین بانک توانسته است اسم بنگلادش را از نماد «قحطی» به نماد «امید» تبدیل کند.

اما در موفقیت بالای گرامین بانک، چند ویژگی مهم نقش داشته‌اند که یکی از مهم‌ترینشان این بوده است که بانک گرامین توانسته امکان وام‌دهی به طبقات فقیر را بدون «وثیقه مالی» فراهم آورده و در واقع نوعی «وثیقه اجتماعی» را جایگزین «وثیقه مالی» کند. براساس رویه گرامین بانک، وام‌دهی به گروه‌های پنج‌نفره صورت می‌گیرد و هر فرد برای دریافت وام باید به گروه ۵ نفره‌ای بپیوندد که کلیه اعضای گروه متعهد به بازپرداخت منظم اقساط وام‌ها هستند. هر وام‌گیرنده در اولین نوبت مبلغ کمی را می‌تواند به عنوان وام دریافت کند ولی در صورت بازپرداخت منظم همه اقساط، می‌تواند میزان دریافت وام خود را در نوبت بعد ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش دهد. به این ترتیب، یک مکانیزم انگیزشی از جنس «اجتماعی» ایجاد شده است که در کنار سایر نظارت‌های رایج برای بازپرداخت اقساط وام‌ها، توانسته است نظم بالایی را بر بازپرداخت اقساط حاکم سازد.

ویژگی مهم دیگر گرامین بانک این است که صرفاً یک بانک تجاری نیست

و در حوزه‌های اجتماعی نیز خود را مسؤول می‌داند. برای مثال تمام افراد متقاضی وام که باید عضو گروه‌های ۵ نفره باشند، ملزم هستند در جلسات آموزشی مرتبط با حوزه کاری خود (از کشاورزی و دامداری گرفته تا صنایع دستی و امثالهم) شرکت کنند. در این جلسات آموزشی در کنار ارائه آموزش‌های مربوط به کسب و کارهای خرد، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی همچون انضباط شخصی، سخت‌کوشی، تعهد اجتماعی و اصول بهداشت فردی و اجتماعی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. به این ترتیب گرامین بانک بالا بردن سطح آگاهی و مهارت‌های اعضایش را جزو وظایف خود می‌داند.

ویژگی کلیدی بعدی گرامین بانک، هدف قرار دادن زنان است. به نحوی که بیش از ۹۵ درصد وام‌گیرندگان زنان هستند. این سیاست گرامین بانک تا حدی ناشی از این واقعیت است که فقر و بیکاری در بین زنان روستایی بنگلادشی بیشتر از مردان است. برای مثال براساس آمارهای ارائه‌شده از سوی گرامین بانک، در حدود ۵۰ درصد زنانی که برای دریافت وام‌های خرد به گرامین بانک مراجعه می‌کنند بیکار هستند و در مقابل بیکاری ۷ درصدی برای مراجعه‌کنندگان مردان، نکته دیگر آن است که رانه مستقیم وام‌های خرد به زنان، تأثیر محسوسی بر ارتقای تغذیه و سلامت خانوارهای فقیر روستایی داشته است. برتی مثال یک پژوهش در میان وام‌گیرندگان گرامین بانک نشان می‌دهد که به ازای هر ۱۰۰ واحد وام پرداخت‌شده به زنان، میزان هزینه خانوار مربوطه در زمینه سلامت و آموزش کودکان معادل ۱۸ واحد افزایش داشته است (در مقابل افزایش ۱۱ واحد برای وام‌های پرداختی به مردان).

اما در کنار جزئیات فعالیت «گرامین بانک» که با تفصیل بیشتر در کتاب پیش رو بررسی شده، این پرسش مهم مطرح می‌شود که: ایجاد نهادی مشابه گرامین بانک در ایران (با لحاظ ویژگی‌های بومی کشورمان) و نقش‌آفرینی این نهاد در کاهش فقر در کشور، تا چه حد واقع‌بینانه است؟

در پاسخ به این پرسش باید ابتدا توجه کنیم که برخی از مولفه‌های اقتصادی ایران، به دلیل برخورداری از درآمد نفت، متفاوت از بنگلادش است. همچنین

باید بدانیم که تأسیس یک نهاد مالی غیردولتی ایرانی فعال در حوزه ارائه وام‌های خُرد به فقرا، حتی اگر موفقیت‌هایی در سطح «گرامین بانک» به دست آورد، باز هم نخواهد توانست فقر را در کشور ۷۶ میلیون نفری ما ریشه‌کن کند و برای دستیابی به ایرانی با درصد ناچیز افراد زیر خط فقر، لازم است گام‌هایی اساسی نیز توسط دولت برداشته شود؛ از توسعه کمی و کیفی آموزش و بهداشت گرفته تا توسعه پوشش بیمه بیکاری و نیز مهارت‌آموزی مناسب در سطوح تحصیلی راهنمایی و دبیرستان به نحوی که آن دسته از فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها که مجبورند بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی وارد بازار کار شوند (عمدتاً فرزندان خانواده‌های کم‌درآمد)، مهارت‌های کاری و نیز آموزش‌های اجتماعی مناسبی را فرا گرفته باشند.

اما در کنار این نکات، اگر بپذیریم که متأسفانه سطح معیشت بسیاری از هم‌وطنانمان در مناطق حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ و نیز در روستاها و شهرهای کوچک زیر خط فقر قرار دارد، در آن صورت طبیعی به نظر می‌رسد که بسیاری از ویژگی‌های ساکنان مناطق محروم ایران مشابه ساکنان مناطق محروم بنگلادش باشد و از این رو به نظر می‌رسد که ایجاد یک نهاد مالی مشابه گرامین بانک در ایران، در صورتی که از سوی بخش غیردولتی تأسیس شده و در عین حال ایجاد برخی اصلاحات برای سازگاری بیشتر با ویژگی‌های بومی ایران را در نظر بگیرد، می‌تواند اثرات مثبت ارزشمندی را در کاهش فقر بر جای گذارد؛ البته به شرط آن که چارچوب‌های قانونی و حقوقی کشور به مانع‌تراشی در برابر شکل‌گیری این نهاد مالی غیردولتی نپردازد. اگر چارچوب‌های حقوقی فعلی مانعی بر سر راه ورود بخش غیردولتی به تأسیس نهادی مشابه گرامین بانک به حساب می‌آید، لازم است موانع مربوطه را هموار سازیم.

به امید رونق پروژه‌های دارای پشتوانه منطقی و علمی با هدف کاهش پایدار فقر در ایران‌زمین؛ هم از سوی دولت و هم از سوی بخش غیردولتی...

دکتر غلامعلی فرجادی

مقدمه

جرقه‌های یک ایده

بنگلادش در سال ۱۹۷۴ دچار یک قحطی سرسری شد. دستگاهی که من به‌عنوان مدیر دانشکده اقتصاد در آنجا مشغول خدمت و تدریس بودم، در جنوب شرقی کشور و در فاصله‌ی سیار دریا از مرکز قحطی واقع شده بود. از یزرو در وین، خبر روزنامه‌ها در مورد گرسنگی و مرگ و میر در روستاهای دور افتاده‌ی شمال کشور، توجه ما را چندان به خود جلب نمی‌کرد؛ اما ناگهان در ایستگاه‌های راه‌آهن و توبوس پایتخت بنگلادش، یعنی شهر داکا، مردمی سکنت‌گونه ظاهر شدند. چیزی بگذشت که این جمعیت اندک، تبدیل به انبوهی از مردم شد. مردم گرسنه، همه جا دیده می‌شدند. آنها اغلب اوقات به گونه‌ای بی‌حرکت نشسته بودند که اگر کسی به آنها می‌نگریست، نمی‌توانست از زنده یا مرده بودنشان مطمئن باشد. همه آنها، مردان، زنان و کودکان، به شکل هم درآمده بودند. افراد پیر همچون کودکان و کودکان همچون افراد پیر به نظر می‌آمدند.

با توجه به آن که در آن زمان برنج در بنگلادش نسبتاً ارزان بود، دولت اقدام به احداث آشپزخانه‌های فراوانی برای پخت حریره برنج و توزیع رایگان آن در میان قحطی‌زدگان کرد؛ اما همه آشپزخانه‌ها به سرعت دچار کمبود برنج شدند. خبرنگاران روزنامه‌ها تلاش می‌کردند تا در مورد شدت قحطی به ملت هشدار دهند.

سازمان‌های تحقیقاتی نیز شروع به جمع‌آوری آمار در مورد مبدأ و علل مهاجرت ناگهانی روستاییان به شهرها کردند. در این میان، نهادهای مذهبی نیز گروه‌هایی را برای جمع‌آوری اجساد از سطح خیابانها و سوزاندن آنها با آداب مناسب بسیج کردند؛ اما خیلی زود، تعداد اجساد به قدری زیاد شد که حتی جمع‌آوری صرف اجساد از سطح خیابان‌ها، فراتر از توان و تجهیزات این گروه‌ها گردید.

مردم گرسنه، هیچ شعاری در اعتراض به وضعیت خود سر نمی‌دادند. آنها حتی از ما، یعنی مردم سیر شهری، تقاضای هیچ کمکی نداشتند. آنها فقط با سکوت تمام بر روی پله‌های ورودی خانه‌های ما می‌خوابیدند و انتظار مرگ را می‌کشیدند.

برای مردن، راه‌های فراوانی پیش روی انسان‌ها قرار دارد؛ اما مرگ از گرسنگی، یکی از وحشتناک‌ترین آنهاست: مرگی که آهسته آهسته رخ می‌دهد و فاصله میان زندگی و مرگ، ثلثه به ثلثه، کمتر و کمتر می‌شود تا جایی که مرگ و زندگی به قدری به یکدیگر نزدیک می‌شوند که به سختی می‌توان تفاوتی میان آن‌دو تشخیص داد. مرگ از گرسنگی، همچون خواب، به قدری ساکن و بدون مقاومت اتفاق می‌افتد که حتی نمی‌توان وقوع آن را حس کرد و همه این‌ها فقط به دلیل نبودن لقمه‌ای نان برای خوردن است. در این دنیای پر نعمت، نوزادی کوچک، بدون این‌که اسرار این دنیا را درک کرده باشد، به حال خود رها می‌شود تا آنقدر گریه کند که در نهایت، از شدت گرسنگی به خوابی عمیق فرو رود و روز بعد، او ممکن است دیگر توان لازم برای ادامه حیات را نداشته باشد. بل از آن‌که این وقایع را از نزدیک مشاهده کنم، هیجان بسیار زیادی در آموزش‌های تئوری‌های اقتصادی به دانشجویان، در خود احساس می‌کردم؛ تئوری‌هایی مشهور و برجسته که گفته شده بود می‌توانند همه مسائل و مشکلات اجتماعی را به شکل هوشمندانه‌ای علاج و درمان کنند؛ اما در سال ۱۹۷۴ و پس از مشاهده اوضاع وحشتناک قحطی در بنگلادش، فکر کردن به ادامه فعالیت آکادمیک باعث می‌شد سراسر وجودم سرشار از اضطراب شود. مرتب از خود می‌پرسیدم که این تئوری‌های پیچیده اقتصادی چه فایده‌ای خواهند داشت وقتی که مردم بسیاری در ورودی و کناره‌های راهروی دانشگاه محل تدریس من، در حال مرگ بودند؛ آن‌هم مرگی وحشتناک بر اثر گرسنگی. درس‌های من بیشتر شبیه

فیلم‌های آمریکایی بودند؛ فیلم‌هایی که در آنها همیشه شخصیت‌های خوب پیروز می‌شوند؛ اما هنگامی که از کلاس و فضای نسبتاً مرفه حاکم در محیط‌های آکادمیک بیرون زدم، تازه آن زمان بود که با واقعیت‌های موجود در خیابانهای شهر روبه‌رو شدم؛ جایی که برخلاف فیلم‌های آمریکایی، شخصیت‌های خوب بی‌رحمانه از بین می‌رفتند و شکست می‌خوردند و جایی که زندگی روزمره، هر روز بیش از دیروز رو به وخامت می‌گذشت و فقیران هر روز فقیرتر می‌شدند.

در تئوری‌های اقتصادی کلاس من، هیچ چیزی شبیه به زندگی پیرمندان وجود نداشت. من چگونه می‌توانستم به دانشجویانم بگویم داستان‌های واقعی پیرمندان زندگی خود را به نام «اقتصاد» باور کنند؟ می‌خواستم از زندگی دانشگاهی و آکادمیک خود رها شوم. نیاز داشتم از این تئوری‌ها و کتاب‌های درسی فرار کرده و «اقتصاد» زندگی یک فقیر را در واقعیت و از نزدیک کشف کنم.

شاید حوش شانس بوده که روستایم به نام «جبرا» در نزدیکی دانشگاه قرار داشت. در سال ۱۹۵۸، «فیلد مارشال ایوب خان» که بعدها رئیس‌جمهور پاکستان شد، در یک کودتای نظامی قدرت را بدست گرفت. ایوب خان، به دلیل ترس از دانشجویان شورشی دستور داد همه دانشگاه‌های جدید تأسیس در فواصل دور از مراکز شهری احداث شوند. از این رو ترمیمی از آشوب‌های سیاسی باعث شد دانشگاه «چیتاگونگ»، محل تدریس من، در فاصله کمی از بخش روستایی چیتاگونگ و نزدیک روستای جبرا احداث شود.

نزدیکی روستای فقیر جبرا به من، این روستا را به نمونه‌ای کامل برای سیر مطالعاتی جدیدم تبدیل کرد. تصمیم گرفته بودم دوباره و از نو، تبدیل به یک دانشجوی شوم؛ ولی این بار مردم جبرا استادان من باشند. با خود عهد بستم تا آنجا که امکان دارد در مورد دهکده به یادگیری بپردازم. در آن سال‌ها، نظام آموزشی رایج در دانشگاه‌ها فاصله‌ای بسیار عمیق میان دانشجویان و واقعیت‌های زندگی در بنگلادش ایجاد کرده بود. از این رو می‌خواستم به جای تدریس کتاب‌های معمول، چگونگی

درک و فهم زندگی یک فقیر بنگلادشی را به دانشجویان خود یاد دهم. واقعیت آن است که وقتی همچون یک پرنده، به زمین از بالا نگاه می‌کنید و می‌پندارید که در کف دستانان قرار دارد، تکبر شما را فرا خواهد گرفت و دیگر درک نخواهید کرد که بسیاری از چیزها از فاصله دور، مبهم و در هاله‌ای از مه دیده خواهند شد؛ اما در عوض، من سعی کردم همچون یک کرم، زمین را از نزدیک‌ترین فاصله ممکن ببینم. امیدوار بودم اگر فقر را از نزدیک مطالعه کنم، درک عمیق‌تری از آن به دست آورم. سفرهای متعدد من به روستاهای اطراف دانشگاه چیتاگونگ، مرا به یافته‌ها و مکشوفاتی رساند که برای تأسیس «بانک گرامین»^۱، ضروری و حیاتی بودند. فقر، اقتصادی کاملاً نوین به من آموختند. این بار فرصت یافتم که از دیدگاه خود آنان به مطالعه بر روی مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه می‌شدند بپردازم. برای حل این مسائل و مشکلات، راه‌های بسیاری را امتحان کردم. برخی از آنها موفقیت‌آمیز بود و برخی دیگر شکست خورد؛ اما در این میان، راهی که به خوبی نتیجه داد، ارائه «وام‌های کوچک»^۲ به مردم برای «خرداشتغالی» بود. این وام‌ها نقطه شروعی برای صنایع خانگی و فعالیت‌های دیگری بود که می‌توانست بر پایه مهارت‌های فردی وام‌گیرندگان شکل گیرد. هرگز تصور این را هم نمی‌کردم که برنامه «پرداخت وام‌های کوچک»^۳ که از آن تحت عنوان «وام خرد»^۴ نیز نام برده می‌شد، به پایه و بنیانی برای یک حرکت ملی برای ایجاد و گسترش «بانک‌های ریزه فقر» تبدیل شود؛ حرکتی که به بیش از دو و نیم میلیون فقیر خدمت‌رسانی کند و دو بیش از صد کشور و در پنج قاره جهان پذیرفته شود.

من تنها در تلاش بودم عذاب وجدان خود را تسکین دهم و اشتیاق خود به مفید بودن را، حتی برای تعداد کمی از انسان‌های گرسنه، پاسخ داده باشم؛ اما در کمال ناباوری، این تلاش تنها با تعداد کمی از فقیران متوقف نماند. کسانی که از بانک قرض گرفتند و از فقر نجات یافتند، هرگز اجازه توقف آن را ندادند. پس از مدتی من نیز بر آن شدم اجازه توقف آن را ندهم.